

# دشواری‌های فراروی مرمتِ باغِ تاریخیِ ایرانی<sup>۱</sup>

رضا ابویی<sup>۲</sup>

استادیار دانشکدهٔ حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان

حمیدرضا جیحانی<sup>۳</sup>

کلیدواژگان: باغ، مرمت، زمین، پوشش گیاهی، آب، منشور فلورانس.

## چکیده

باغ تاریخی جدای از غنای طبیعی، که ممکن است در بطن خود داشته باشد، به دلیل ارزش‌های فضایی کالبدی و تاریخی فرهنگی نیازمند صیانت و حفاظت است. در عین حال این گونهٔ فضای طرح‌اندازی شده، به دلیل برخی تفاوت‌ها با گونه‌های دیگر یا دست کم برخی ویژگی‌های ماهوی خود، از جمله حضور گستردهٔ عناصر زنده و رشدکننده و وابستگی فراتر از استقرار بر زمین و خاک که ریشه در ماهیت آن دارد، در کنار هر فعالیت مبتنی بر حفاظت، نیازمند انواع اقداماتی متفاوت و مربوط به خود است. چنان که در سطح جهانی، منشور فلورانس، تحت عنوان متمم منشور ونیز، در زمینهٔ حفاظت از باغ تاریخی و با نگاه به ویژگی‌های ذاتی آن تدوین شده است. در این مقاله با نظر به حوزه‌های اشاره‌شده، نگارندگان در پی روشن کردن مقدمات مرمت یک باغ تاریخی ایرانی هستند. مقدماتی که پرداختن به آن‌ها شرط نزدیک شدن به حوزهٔ مرمت این نوع باغ تاریخی محسوب می‌شود. هدف در مقالهٔ حاضر دستیابی به نقاط دشوار و بفرنج و شناخت آن‌ها است و برای این منظور مطالعه و شناخت

موضوعاتی چون ارتباط باغ با زمین، رشد و تغییر و تحول گیاهان، و نقش محوری آب مد نظر است.

## مقدمه

حدود نیم قرن پیش تلاش برای تعریف و تدوین سندی با اعتبار جهانی برای حفاظت و مرمت آثار تاریخی در قالب منشور ونیز<sup>۴</sup> به ثمر رسید. دومین کنگرهٔ بین‌المللی معماران و کارداناان فنی یادمان‌های تاریخی که متولی تهیهٔ سند ونیز بود، تلاش داشت تا این سند بر پایهٔ تمامی تجارب پیشین شکل بگیرد. آنچه در این سند بسیار مهم پنداشته شده است، تلاش برای ایجاد توافق جهانی بر روی اصول حفظ و مرمت بناهای تاریخی و فراهم آوردن شرایط اجرای آن‌ها در چهارچوب فرهنگ و سنت‌های سرزمینی است. در سند ونیز بر نقش محوری قطعنامهٔ آتن<sup>۵</sup> که به سال ۱۹۳۱ شکل گرفته بود اشاره شده و سند حاضر ادامه‌ای بر آن دانسته شده است؛ روندی که پس از آن نیز ادامه یافت و سبب شد تا اسناد معتبر دیگری همچون منشور میراث

۱. این مقاله بخشی از روند تعریف رسالهٔ دورهٔ دکترای نگارندهٔ دوم با عنوان بازیابی ساختارهای فضای باز طراحی شده در باغسازی پیرامون عناصر معماری بر اساس تصویرهای بازسازی شده از شعر و متون توصیفی - داستانی فارسی سده‌های چهارم تا ششم هجری قمری است که در دانشکدهٔ حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان و زیر نظر استادان راهنما دکتر محمدمنصور فلامکی و دکتر رضا ابویی در حال انجام است.  
2. rabouei@au.ac.ir

۳. معمار، دانشجوی دکترای مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه هنر اصفهان؛

h.jayhani@au.ac.ir

4. *The Venice Charter, International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites.*

۵. مقصود، قطعنامهٔ آتن در مورد مرمت یادمان‌های تاریخی به سال ۱۹۳۱ است. از این قطعنامه، که متفاوت با منشور آتن مصوب سال ۱۹۳۳ است، گاه تحت عنوان منشور آتن نیز نام برده می‌شود. این دو سند منظور و سرشتی متفاوت با هم دارند.

## پرسش‌های تحقیق

۱. اگر خود را ملزم به رعایت جوانب علمی و فنی دانش مرمت بدانیم، آیا تعریف فرایند مرمت برای باغ تاریخی ایرانی بر اساس اسناد و منشورهای جهانی و به طور خاص منشور فلورانس امکان‌پذیر است؟

۲. بهره‌گیری از تعریف‌ها و فرایندهای پیش‌بینی شده در اسناد و منشورهای جهانی برای مرمت و به‌ویژه مرمت باغ تاریخی، ما را با چه دشواری‌های احتمالی برای مرمت باغ تاریخی ایرانی روبه‌رو خواهند کرد؟

۳. در موقعیت امروزی و با نگاه به میزان آگاهی‌های ما، اصلی‌ترین پیش‌نیاز و نیز مهم‌ترین بخش از تعریف فرایند مرمت یک باغ تاریخی در ایران چیست؟

6. *European Charter of the Architectural Heritage.*
7. *The Florence Charter.*
8. *Washington Charter, Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas.*
9. *The Burra Charter, The Australian ICOMOS Charter for the Conservation of Places of Cultural Significance.*

۱۰. سازمان میراث فرهنگی، مجموعه پژوهش‌های دفتر فنی: دفتر هشتم، ص ۲۹۱.

۱۱. محمدمنصور فلامکی، باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص ۳۰۵.

۱۲. جدا از باغ‌های ایرانی، این نوع از ارزش‌ها در میان تنوع وسیعی از باغ‌سازی در سرزمین‌های مختلف قابل مشاهده است، چنان‌که میشل کونان به التقای میراث ملموس و غیرملموس در باغ اشاره می‌کند. برای اطلاعات بیشتر نک:

Conan, Michel. "Gardens and Landscapes: At the Hinge of Tangible and Intangible Heritage".

معماری اروپا<sup>۶</sup> مصوب ۱۹۷۵، منشور فلورانس<sup>۷</sup> برای باغ‌های تاریخی مصوب ۱۹۸۲، منشور واشنگتن<sup>۸</sup> برای شهرهای تاریخی مصوب ۱۹۸۷ و منشور بورا<sup>۹</sup> مصوب ۱۹۸۱ به طور مستقیم یا غیرمستقیم تکمیل‌کننده و توضیح‌دهنده سند و نیز قلمداد شوند. از بررسی سیر تاریخی این منشورها و دیگر اسناد مرتبط، آنچه برداشت می‌شود روند رو به گسترش هر آن چیزی است که می‌تواند موضوع حفاظت و مرمت قرار گیرد. در عین حال در این روند، نگرش رو به تدقیق هرچه بیشتر بر نوع مواجهه با شماری از آثار نیز دیده می‌شود که، به دلیل خصیصه‌ها و جنبه‌های مشترک قابل تعریف، می‌توانند در یک گروه قرار گیرند. آنچه از آن به خصیصه‌های ماهوی باغ تاریخی می‌توانیم یاد کنیم، مهم‌ترین دلیل برای تعریف و تدوین منشور فلورانس به صورت الحاقیه‌ای برای منشور و نیز بوده است.

## چرایی مرمت باغ تاریخی

در مقدمه منشور و نیز که از جمله مهم‌ترین چهارچوب‌ها و اسناد جهانی در زمینه حفاظت برشمرده می‌شود، بر پیام روزگار گذشته و حضور شواهد زنده سنت‌های کهن در یادمان‌های تاریخی تأکید و بر اینکه این میراث را باید در اصیل‌ترین شکل ممکن به نسل آینده انتقال داد<sup>۱۰</sup> اشاره شده است. در ماده یکم این منشور مفهوم یادمان تاریخی، جدای از آفرینش‌های معمارانه منفرد، به استقرارهای شهری و روستایی، که تشکیل‌دهنده شواهد تمدنی خاص هستند، نیز تسری یافته است.<sup>۱۱</sup> با یک بررسی اولیه قابل درک است که فضای طرح‌اندازی‌شده موسوم به باغ که از گذر تاریخ به دست ما رسیده، هم زاده سنت دیرپای باغ‌سازی ایرانی است و هم آن را با خود انتقال داده است. از آنجا که باغ در موقعیت‌ها و اقلیم‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت شکل گرفته و به تجربه‌ای قابل تکرار بدل شده است، سنتی کهن را در خود جای داده، آن را منتقل کرده و به دلیل بازآفرینی مکرر آن در موقعیت‌های متفاوت، گوناگونی شکلی و کارکردی پرشماری یافته است؛ بنا بر این انتقال آن به آینده، به دلیل ارزش‌هایش، مفید خواهد بود. این ارزش‌ها تنوع وسیعی دارند و در میان آن‌ها می‌توان به ارزش‌های میراثی غیرملموسی چون سنت‌های اجتماعی و اقتصادی مبتنی یا در پیوند با کشاورزی و باغ‌داری سنتی، همچون فنون سنتی زراعت و مقنیگری و آبیاری و آداب و رسوم میراثی اشاره کرد.<sup>۱۲</sup>



عهد کردیم که بی دوست به صحرا نرویم  
بی تماشاگاه رویش به تماشا نرویم  
بوستان خانه عیش است و چمن کوی نشاط  
تا مهیا نبود عیش مهنا نرویم<sup>۱۳</sup>

## مرمت در معنای امروز

اندیشیدن به مرمت و پرداختن به آن در مفهوم نزدیک به امروز، ریشه‌هایی در میانه سده نوزدهم دارد. این زمان دوره نظریات افرادی است که در این حوزه انتقاد، راهنمایی، تدوین تئوری، و ابداع روش‌های گوناگونی داشته‌اند و با شروع تدوین منشورها و قطعنامه‌هایی در کنگره‌های جهانی به پایان رسیده است. از آن تاریخ به بعد دوره همکاری‌های مداوم افراد برای تدوین روش‌ها و نظریات آغاز شده است.<sup>۱۴</sup> قطعنامه آتن به سال ۱۹۳۱ و منشور ونیز به سال ۱۹۶۴ از مهم‌ترین محصولات دوره جدید به حساب می‌آیند. در منشور ونیز که بر پایه قطعنامه آتن تعریف شده است، مرمت را عملی بسیار تخصصی و هدف از انجام آن را حفظ و آشکار کردن ارزش زیبایی‌شناختی و تاریخی یادمان برشمرده و اساس آن را بر محترم شمردن مواد و مصالح اصلی و مستندات اصیل دانسته‌اند. در منشور قویاً تأکید شده که با آغاز حدس و گمان، مرمت پایان می‌یابد. در این تعریف همچنین تأکید شده است که در صورت ناگزیر بودن به افزودن برخی بخش‌ها، باید آن‌ها را از ترکیب معماری اصلی متمایز کرد.<sup>۱۵</sup> از منظر این تعریف، هدف مرمت در محدوده‌ای مرتبط با ویژگی‌های زیباشناختی و تاریخی اثر قرار دارد و حفظ و آشکار کردن آن دسته از ارزش‌ها است که، بر دو ویژگی یادشده متکی هستند. تعریف مذکور دو معیار ارزش قائل شدن برای مواد و مصالح اصلی در نگاهی ماهوی به آن<sup>۱۶</sup> - و مستندات اصیل و معتبر را اساس مرمت برشمرده است و بدون توجه به چنین مستنداتی، فرایند مرمت را پایان یافته اعلام کرده است. در ادامه و در خصوص امکان اضافه کردن بخشی به اثر، آن را به نبود

این موارد غیر از ارزش‌های فضایی کالبدی ملموس و معطوف به پهنه تعریف‌شده موسوم به باغ است. از آنجا که این حوزه‌ها در نزدیکی بیشتری با دیگر آثار معمارانه هستند، در این نوشتار به آن‌ها پرداخته نمی‌شود و توجه بیشتر معطوف به اجزایی از پدیده باغ‌سازی است که، دست کم به دلیل حضور در تمامی گونه‌های باغ، بخشی از ماهیت آن تلقی می‌شوند.

باغ‌سازی پدیده‌ای مولد و زاینده باغ است و در یکی از جنبه‌های وجودی خود، اشکالی از استقرار را به نمایش می‌گذارد. نمونه‌های این استقرار و تعریف فضایی را در شکل‌گیری ریزاقلیم‌هایی همچون منطقه فین کوچک، شهرهای کوچکی چون طبرس در شکل اولیه آن، شهرهای نویناد چون اشرف‌البلاد، و توسعه‌های شهری کلان همچون قزوین و اصفهان صفوی می‌توانیم مشاهده کنیم. از این دیدگاه به نظر می‌رسد که باغ‌سازی با توانایی‌های بالقوه‌اش امکان برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین را نیز فراهم کرده است.

حضور این چنین باغ در زندگی مردم و در طول سده‌های متوالی به ارجاع به آن در حوزه‌هایی همچون ادبیات و شعر و نگارگری و بنایی و هنرهای صناعی و موسیقی نیز منجر شده است. این ارجاع همچون دیگر اشارت‌های ایرانی تصویری ذهنی و یا نمودی عینی را در بر می‌گیرد. از میان رفتن و رنگ اصالت باختن باغ، بدون شک به فراموش شدن ارزش‌های درونی و بی‌واسطه آن خواهد انجامید. ارزش‌هایی که می‌توانیم آن‌ها را در برنامه‌ریزی و آمایش و طرح‌اندازی محیط و فضای گشوده در مقیاس‌های گوناگون از حیاط کوچک خانه و خانقاه تا مجموعه‌های کلان و نوشهرها و منطقه‌های شهری جستجو کنیم. اما بدون شک با از میان رفتن باغ حتی اصالت آن، بخشی دیگر از فرهنگ ایرانی در محاق فرو خواهد رفت و از بار معنایی آن کاسته خواهد شد. چنان که فهم و درک امروز ما از صحرا و دشت و دمن و بوستان و چمن با چنین نقصانی مواجه است.

۱۳. سعدی، غزلیات سعدی، غزل ۴۴۱ ط.

۱۴. محمدمنصور فلامکی، همان، ص ۱۴-۱۵.

۱۵. از متن ترجمه‌شده منشور به زبان فارسی مندرج در دفتر هشتم مجموعه پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی سازمان میراث فرهنگی استفاده شده است. این استفاده همراه با انطباق آن با متن انگلیسی و انجام برخی تغییرات بوده است.

۱۶. عبارت «در نگاهی ماهوی» بر اساس برداشت از متن منشور ونیز مندرج در کتاب بازنده سازی بناها و شهرهای تاریخی است. به نظر می‌رسد «مواد و مصالح اصلی» در بینشی عمیق‌تر بخشی از ماهیت اثر دانسته شده‌اند (محمدمنصور فلامکی، همان، ص ۳۰۶). همچنین نک: متن انگلیسی ماده نهم منشور ونیز.

مکان‌های اشاره‌شده در سند، می‌تواند صورت گرفته باشد. گذشته از این، پیوند میان طبیعت یا عناصری برگرفته از آن با مکان یا فضایی که به دست انسان ساخته می‌شود، از رویکردهای همیشگی معماری بوده است، اما در هیچ جا، بر این عناصر به اندازه باغ تاریخی، در قامت عناصری برای تعریف مکان یا فضا، استناد نشده است. در این سند، مرمت به معنای بازگردانی یافت‌موجود یک مکان به وضعیتی قبلی، از طریق برداشتن افزوده‌ها یا سر هم کردن اجزای آن، بدون بهره‌گیری از مصالح جدید تعریف شده است.<sup>۱۹</sup> در اینجا نیز کم یا بیش معیارهای مندرج در سند و نیز تحت عنوان وجود شواهد کافی و امکان بازبایی برجستگی‌های فرهنگی مکان، شروط پرداختن به مرمت شده‌اند.<sup>۲۰</sup>

در ماده یکم منشور فلورانس برای نزدیک کردن باغ و حوزه حفاظت و مرمت، باغ تاریخی یک ترکیب معماری و باغ‌داری [باغبانی] تعریف شده است. منشور در عین حال باغ را یک یادمان تاریخی برشمرده است.<sup>۲۱</sup> اما بلافاصله در ماده دوم، باغ تاریخی ترکیبی معماری دانسته شده است که اصولاً اجزای متشکله آن، گیاهی دانسته شده و بنا بر این زنده تلقی شده‌اند.<sup>۲۲</sup> در ادامه نتیجه‌گیری شده است که این اجزا فانی و قابل جایگزینی هستند.<sup>۲۳</sup> این مسئله خود به لحاظ نظری دارای اشکال به نظر می‌رسد، زیرا اجزای مذکور ممکن است صرفاً طول عمر متفاوتی نسبت به دیگر اجزای باغ داشته باشند. اما بر نکته قابل توجه‌تری در ماده یازدهم اشاره شده است؛ در این ماده، از آنجا که مصالح اصلی باغ گیاهان قلمداد شده‌اند، محافظت از آن‌ها در شرایط ثابت، مستلزم جایگزینی مقطعی به هنگام نیاز و یک برنامه بلندمدت تجدید و نوسازی دوره‌ای برای آن‌ها دانسته شده است. برای توضیح و در ادامه، به قطع کامل و کاشت مجدد نمونه‌های رشد کرده اشاره شده است. این مطلب در ذیل عنوان «نگهداری و حفاظت» آورده شده است؛ اگرچه با در نظر گرفتن گیاهان به مثابه مصالح اصلی باغ و شرایط جدید ایجادشده، که باغ را از وضع اولیه خود دور کرده است، این عمل می‌تواند به لحاظ

راه حل دیگر و تمایز از بخش‌های اصلی ملزم و مشروط کرده است. بر این اساس توجه به دو نکته ضروری است. نخست روشن است که این افزوده‌ها هرگز نباید بخشی از فرایند مرمت و نیز محصول آن دانسته شوند، اگرچه در مسیر حفاظت از اثر، در به‌کارگیری آن‌ها الزام نیز داشته باشیم. دومین نکته توجه به این مسئله است که، اصطلاح ترکیب معماری، بیش از اینکه بار معماری داشته باشد، بر طرح و ترکیب‌بندی اثر تأکید دارد و در آن تمایز میان این طرح و چگونگی طراحی در دو بازه زمانی پیشین و پسین مد نظر است.

با وجود این، باید توجه داشت، علی‌رغم تأکید منشور و نیز بر شمول آن بر تنوع وسیعی از آثار که، به آن‌ها در تعاریف ذیل ماده یکم آن اشاره شده، این منشور با پس‌زمینه‌های فکری بیشتر مبتنی بر بناهای منفرد شکل گرفته است. شاید همین مسئله سبب شده باشد تا منشور فلورانس در ۱۹۸۲ به صورت یک الحاقیه برای سند و نیز تهیه و تدوین شود. پیش از منشور فلورانس اقداماتی برای گسترش حوزه شمول اسناد جهانی مرتبط با حفاظت و مرمت و نیز تلاش برای دادن تعاریف دقیق‌تر شکل گرفته بود. بخشی از این اقدام را در منشور بورا می‌توانیم دنبال کنیم.

در منشور بورا در نخستین گام تلاش شده است تا با گزینش واژه مکان و تعریفی که برای آن آورده شده است،<sup>۱۷</sup> به حجم وسیع‌تری از آثار توجه شود. در ادامه، بافت مصالح فیزیکی مکان تعریف شده است که، می‌توان آن را نمود فیزیکی و مادی هر مکانی دانست. با وجود استفاده از واژه مکان که، امکان شمول فضای باغ تاریخی را به سهولت در آثار موضوع سند بورا قرار می‌دهد، اما به نظر می‌رسد عبارت «بافت»<sup>۱۸</sup> مجموعه تمامی آنچه در درون باغ حضوری مادی دارد را در بر نمی‌گیرد. مهم‌ترین بخش باغ، و مصداقی مطرح برای ادعای مذکور، درختان و به طور کلی گیاهانی هستند که، با مفهوم باغ پیوندی ناگسستنی دارند. روشن است حضور چنین عناصری در پهنه وسیعی از

۱۷. در تعریف مکان (Place) در ماده یکم منشور آورده شده است: مکان به معنای محوطه، محدوده، بنا، مجموعه بنا، یا سایر آثار به همراه محتویات مربوطه و محیط اطراف آن‌ها است (سازمان میراث فرهنگی، مجموعه پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی: دفتر هشتم، ص ۳۴۱).

۱۸. Fabric.

۱۹. سازمان میراث فرهنگی، همان، ص ۳۴۱-۳۴۷.

۲۰. همان‌جا.

۲۱. برنارد ام فیلدن و یوکا یوکیلتو، رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی جهان، ص ۱۸۳.

۲۲. همان‌جا.

۲۳. از متن ترجمه‌شده منشور به زبان فارسی مندرج در کتاب رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی جهان استفاده شده است. این استفاده همراه با انطباق آن با متن انگلیسی و انجام برخی تغییرات بوده است.



۲۴. همان، ص ۱۸۶.

۲۵. در اینجا منظور نه تغییرات جزئی و از جمله هرس و رسیدگی‌های فیزیولوژیکی، که مطلبی است که در متن *مشور فلورانس* تحت عنوان قطع کامل و بازکاشت بدان اشاره شده است. با وجود آنکه این مطلب برای بسیاری از باغ‌های اروپایی نیز ممکن است محل پرسش باشد، این مقاله بیشتر به بازخوانی *مشورهای بین‌المللی* با باغ و باغ‌سازی ایرانی می‌پردازد. ۲۶. همان‌جا.

#### 27. Recommendation

#### Conferencing the Safeguarding of the Beauty and Character of Landscapes and Sites.

۲۸. از متن ترجمه‌شده *مشور* به زبان فارسی مندرج در دفتر هشتم مجموعه *پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی سازمان میراث فرهنگی* استفاده شده است. این استفاده همراه با انطباق آن با متن انگلیسی و انجام برخی تغییرات بوده است.

#### 29. Restore

۳۰. شرح ماده مذکور چنین است: محوطه‌های منفرد کوچک، اعم از آنکه طبیعی باشند یا شهری، و همچنین بخش‌هایی از چشم‌اندازهای طبیعی که ارزش خاصی دارند، باید برنامه‌ریزی شوند. مناطق خوش‌منظره و سایر مناطق و ساختمان‌هایی که بناهای برجسته و ممتاز را احاطه کرده‌اند نیز باید برنامه‌ریزی شوند. در خصوص هریک از این محوطه‌ها، مناطق، و ساختمان‌های محتاج برنامه‌ریزی باید تصمیم‌گیری اجرایی شود و مالکان آن‌ها را از این تصمیم مطلع کنند.

است و به لزوم حفظ و حراست از زیبایی و ماهیت آن‌ها توجه شده است. در بخش تعاریف و در ماده یکم این توصیه‌نامه که پیش از *مشور ونیز* به تصویب رسیده است، در تشریح عنوان توصیه‌نامه، امکان پرداختن به مرمت ظاهر و سیمای منظرها و محوطه‌های طبیعی، روستایی، و شهری در کنار حفظ آن‌ها قید شده است.<sup>۲۸</sup> در ماده دهم از اصول کلی، هدف از اقدامات اصلاحی، جبران خسارت‌های وارده به منظرها و محوطه‌ها و تا حد امکان بازگرداندن به شرایط اولیه از طریق عمل «مرمت»<sup>۲۹</sup> عنوان شده است. دامنه شمول توصیه‌نامه، به استناد ماده دوم آن، حتی حفاظت از طبیعت را نیز در بر می‌گیرد، اما در ماده بیستم، به محوطه‌های نزدیک به آنچه مد نظر در این مقاله است، نیز اشاره می‌کند.<sup>۳۰</sup>

### فضا و موجودیت باغ ایرانی

پرداختن به چیستی فضا یا مکانی، که به سبب گرد هم آمدن پاره‌ای عناصر به باغ تعبیر می‌شود، موضوع این نوشتار نیست، اما برای طرح موضوع نیاز داریم تا باغ را، بدون نگاه به پیچیدگی‌ها یا سادگی‌هایی احتمالی که در ظاهر و باطن آن نهفته است، همچون یک فضا بپذیریم. این پذیرش چندان بر خطا نخواهد بود، اگر امکان حضور در درون آن و ادراک آن را در خاطر داشته باشیم یا تجاربی از این دست را در ذهن مرور کنیم. در عین حال می‌توانیم پی‌گیری سه‌گستره لازم برای فهم و درک فضا-فضای ساخته‌شده را نیز دلیلی بر فضا بودن پهنه باغ بدانیم. سه‌گستره‌ای که بر خود «فضا» یعنی موضوع مورد نظر برای ادراک، «شخص پژوهنده»، و «محیط» دلالت می‌کنند. از این دیدگاه فضا موجودیتی است که شالوده‌ای ساختاری دارد، شخص پژوهنده کسی است که برای شناخت فضا اقدام می‌کند، و محیط گستره‌ای است که فضا در چهارچوب آن زیست می‌کند.<sup>۳۱</sup>

در ادامه این دیدگاه و برای فراهم آوردن امکان درک بهتر فضای باغ، می‌توان به بررسی شاخص‌ترین ارزش‌های آن پرداخت. ارزش‌هایی که، به سبب اهمیت، بخشی از

محتوایی در حوزه مرمت نیز قرار گیرد. زیرا ممکن است این عمل بتواند نوعی بازگرداندن شکل باغ به وضعیت شناخته‌شده پیشین شناخته شود. در ماده شانزدهم، که به مرمت باغ مربوط است، آمده که، باید در کار مرمت، توجه کافی به مراحل متوالی تکامل باغ مبذول گردد. همین ماده هیچ دوره‌ای را بر دوره‌های دیگر دارای اولویت نمی‌داند، مگر در موارد استثنایی.<sup>۳۲</sup> بنا بر این مشخص نمی‌شود که، چگونه قطع کامل درختان و کاشت مجدد می‌تواند محلی از اعراب داشته باشد. به این مسئله از این رو می‌تواند توجه شود که، گیاهان رشدیافته، یعنی مصالح اصلی باغ، چگونه در تعریف دوره‌ای از حیات باغ و دست کم از نظر کالبدی و شکلی نادیده گرفته شده‌اند. به نظر می‌رسد با وجود اشاره *مشور* به زنده بودن این مصالح اصلی، اصلی‌ترین ماهیت گیاهان در مواجهه با باغ تاریخی نادیده گرفته شده است.<sup>۳۳</sup> در برخی از بخش‌های *مشور* و از جمله در ماده هفتم و چهاردهم بر حفظ ارتباط باغ با محیط خاص آن، همچنین بر حفظ محیط فیزیکی آن چه درون و چه بیرون از آن تأکید شده است.

ماده دهم *مشور* یکی از کلیدی‌ترین مواد آن به‌شمار می‌آید. زیرا در آن به صراحت هر نوع مداخله را، اعم از نگاه‌داری، حفاظت، مرمت، و بازسازی در باغ یا هریک از قسمت‌های آن، به دلیل لزوم حفظ یکپارچگی کلیت باغ، منوط به رفتار هم‌زمان کرده است.<sup>۳۴</sup> روشن است که یکپارچگی جدای از مفهوم عامی که برای هر باغ تاریخی دارد، با توجه به بستر فرهنگی و سرزمینی اثر، قابل تأویل و تفسیر است. این همان خواستی است که در مقدمه *سند ونیز* به آن اشاره شده است.

پیش از پایان این بخش لازم است به سند دیگری اشاره شود که می‌تواند به درک بهتر مفهوم مرمت در نسبت با فضای باغ تاریخی کمک کند. در مقدمه *توصیه‌نامه حفظ و حراست زیبایی و ویژگی چشم‌اندازها و محوطه‌ها*<sup>۳۵</sup> مصوب مجمع عمومی یونسکو به سال ۱۹۶۲ به جنبه‌های گوناگون اهمیت منظرها و محوطه‌ها، اعم از طبیعی و انسان‌ساخت، و نقش آن‌ها در حیات انسان‌ها اشاره شده

حسی اولیه به دلیل شکل و جو کلی باغ قابل دریافت است. از سوی دیگر، تنوع شکلی و ذات طرح‌اندازی شده باغ امکان درک الگوهای شکل‌دهنده را ممکن می‌کند. چهارچوب‌های مهیاکننده مباحث پیشرفته و علمی و نیز عناصری، که بتوانند موضوع تحلیل و تفسیر در حوزه فرهنگ‌های محلی و بومی قرار گیرند، امکان وجود مراتبی دیگر از زیبایی‌شناسی را در فضا و قلمرو باغ ممکن می‌کند. حال بیش از این به این موضوع نمی‌پردازیم و آن را به فرصتی دیگر موکول می‌کنیم. اما در عین حال نمی‌توان تصاویری از باغ و حیات پیرامون آن در بستر سرزمینی و اقلیمی ایران را یادآوری نکرد و به گستره‌های موجودیت یافته از باغ‌هایی، که مظهرخانه آب چشمه و قناتی هستند، اشاره‌ای نداشت. در این خصوص، پرداختن به «روح مکان»<sup>۳۹</sup> آشنا در گستره وسیعی از باغ‌ها، شکل و الگوی فضایی ریزاقلیم‌های حاصل از فرایند مبتنی بر باغ‌های مظهرخانه‌ای در فین، ماهان، و طبس و البته در شکل اصیل آن، بدون تغییرات و دخالت‌های نابخردانه امروزی، می‌تواند مفید باشد. معناهای قابل درک و انتقال در سنت باغ‌سازی، که به بخشی از فرهنگ ایرانی تبدیل شده، نیز قابل اشاره‌اند. بنا بر این موجودیت زیباشناختی باغ قابل درک است یا دست کم قابل کتمان نیست.

دو موجودیت دیگر نیز می‌توانیم برای باغ قائل شویم. نخست موجودیت تاریخی که با توجه به حضور مؤثر باغ در تاریخ ما که به گونه‌ای مستقیم از خلال متون و نوشته‌های ایرانی و غیرایرانی قابل درک است و نیز آنچه به گونه‌ای غیرمستقیم از میان فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانیان در طول تاریخ می‌تواند فرض باشد. دیگر موجودیت باغ، از خلال ارزش‌های ساختاری آن آشکار می‌شود. حتی اگر این ارزش‌ها را تأیید نکنیم، شکل‌ها و طرح‌های باقی‌مانده یا قابل بازبایی در اسناد و مدارک نوشتاری و تصویری، موجودیتی ساختاری را انکارناپذیر می‌کند. هرچند در خصوص کمیت و کیفیت آن لازم است مطالعات بیشتری صورت پذیرد، این موارد به فرصتی دیگر موکول

موجودیت باغ را تشکیل می‌دهند. در نخستین گام می‌توان به ارزش یا ارزش‌های زیباشناختی آن اشاره کرد. از این رو می‌توان این بخش از موجودیت باغ را مجموعه‌ای از ارزش‌ها دانست که در دیدگاه‌های متفاوت، می‌توانند مراتب گوناگونی برای زیبایی‌شناسی منظر قلمداد شوند. از اولین لحظه مشاهده یک منظر، انسان شروع به فهمیدن و درک آن می‌کند. برای این ادراک مراتب گوناگونی هست. ادراک، بسته به این که بر اساس اطلاعات حسی باشد یا ما آن را با دانش، اعتقادات، و شرایط فرهنگی خود تطبیق دهیم، می‌تواند مراتب گوناگونی داشته باشد.<sup>۳۲</sup> سرشت و ماهیت واکنش به پدیده‌ها در تعریف چهارچوب‌هایی برای زیبایی‌شناسی قابل طرح هستند. بر اساس این واکنش‌ها، می‌توان دست کم چهار دیدگاه زیبایی‌شناسی حسی<sup>۳۳</sup>، رسمی یا قراردادی<sup>۳۴</sup>، توصیفی یا بیانگرا<sup>۳۵</sup>، و نمادین<sup>۳۶</sup> را در نظر گرفت.<sup>۳۷</sup> این چهار دیدگاه به ترتیب بر «اولین تأثیر حسی»، «عوامل ترکیب‌بندی و فهم و درک الگوها»، «بحث‌های جدی در مورد دانش و اطلاعات حسی» و «عناصر فرهنگی دارای محتوا و معنا» مبتنی هستند.<sup>۳۸</sup>

برای نزدیک کردن مطالب مذکور به موضوع این متن، توجه به باغ در چهارچوب و اساسی مبتنی بر منظر الزامی است. چه پنداشتن باغ به مثابه گونه‌ای از فضای معماری که همچون دیگر گونه‌ها، احیاناً کارکردی نیز دارد و یا تحدید فضای باغ و اسم و عنوان و تمثیل و استعاره‌های آن به یک کار کرد، دست کم ما را با چالشی برای درک معماری در فلات ایران مواجه خواهد کرد. چالشی که ناشی از فروکاستن ماهیت باغ‌سازی از روشی برای تعریف فضا-فضای گشوده به گونه‌ای خاص از فضای طرح‌اندازی شده است. باغ به مثابه محصول باغ‌سازی در بسیاری از فضاها و گونه‌های فضای معمارانه و به اشکال و مقیاس‌های گوناگونی حضور دارد. این حضور نشان‌دهنده اتکا به باغ‌سازی، به عنوان یک روش تعریف و طراحی فضا است. از سوی دیگر، تمامی دیدگاه‌های زیباشناختی اشاره‌شده در باغ ایرانی قابل پی‌گیری است. تأثیرات

۳۱. محمدمنصور فلامکی، ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، ص ۲۰-۲۱.

۳۲. سایمون بل، عناصر طراحی بصری در منظر، ص ۲۲-۲۵.

33. Sensory aesthetic.

34. Formal aesthetic.

35. Expressive aesthetic.

36. Symbolic aesthetic.

37. Simon Bell, *Elements of Visual Design in the Landscape*, p. 8.

38. Ibid. pp. 4-9.

بر طبق نظر بل، چریل فوستر (Cheryl Foster) به ورودی حواس فیزیکی اولیه، سایمون بل (Simon Bell) بر ادراک الگوها و زیبایی‌شناسی رسمی یا قراردادی، آلن کارسون (Allan Carlson) بر نقش دانش، و سایمون شاما (Simon Schama) بر جنبه‌های نمادین تأکید دارند. همچنین نک: سایمون بل، همان، ص ۲۱-۲۵.

39. Jenius Loci.

ت ۱. باغ فین، منطقه فین کوچک و پهنه پیرامون. منبع: سازمان نقشه برداری کشور.



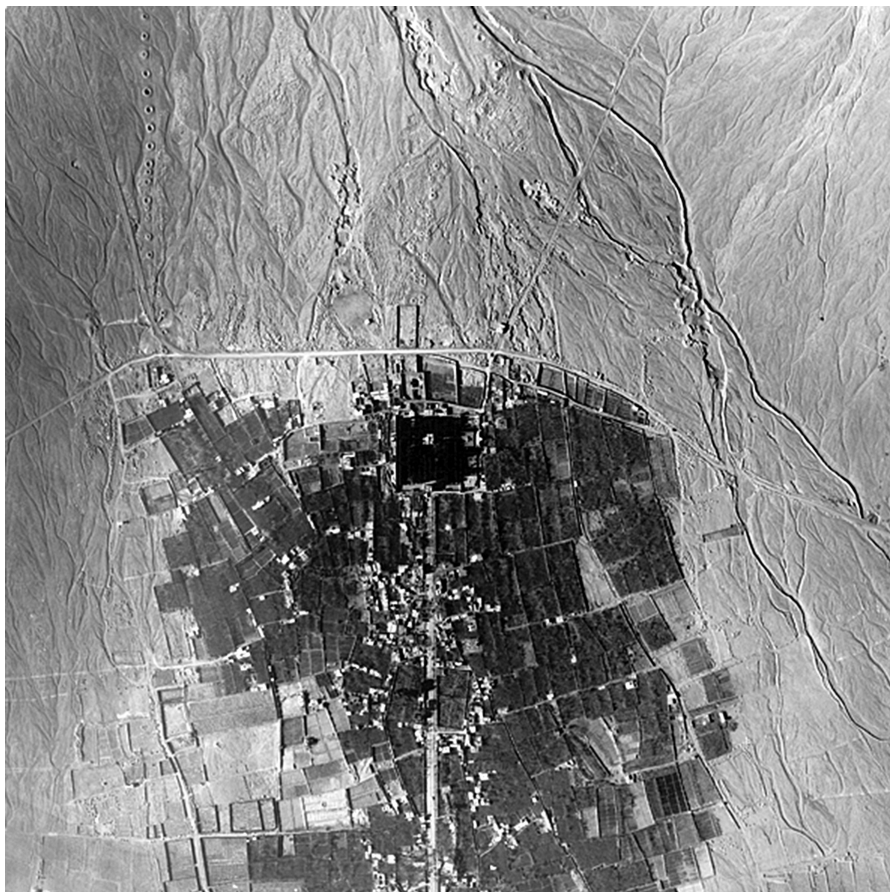
۴۰. محمدمنصور فلامکی، *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.  
 ۴۱. برای بررسی بیشتر در این زمینه می‌توان به این منابع اشاره کرد: محمدمامین میرفندرسکی، «باغ در مفهوم باغ»، یعقوب دانش‌دوست، «باغ ایرانی»، عباس مسعودی، *بازشناسی باغ ایرانی باغ‌شازده ماهان، منشور فلورانس*، همچنین نک: حمیدرضا جیحانی و سیدمحمدعلی عمرانی، *باغ‌فین*.

و تفکیک‌ناپذیرند. این جزء باغ، البته بیش از دو جزء دیگر- آب و پوشش گیاهی شباهت میان فضای باغ و برخی فضاهای معماری فخر راه، که بر سرزمینی وسیع متکی بوده‌اند، نشان می‌دهد.<sup>۴۲</sup> آب، عامل پیونددهنده دیگر باغ و سرزمین استقرار آن است. برای درک بهتر این موضوع لازم است آب را با جوانب تحصیل و انتقال آن و البته حریم و احترامی که در تمامی طول راه دارد، در نظر داشته باشیم. اما خود آب نیز چنان که پیش‌تر اشاره شد از همان دست عناصری است که جوهره وجودی باغ را وام‌دار خود دارد. برای درک این مسئله لازم است که، به آب فراتر از نقش آن در آبیاری و فرح‌بخشی و ایجاد شرایط آسایش نگریسته شود. نقش

می‌گردد. هر اثر معماری ارزشمندی نمایانگر سه موجودیت قابل تمیز «زیبایی‌شناختی»، «تاریخی»، و «ساختاری» است که، از آمیختگی ماده و شکل آن، آمیزشی مقارن با وحدت یافتن شکل نمادین و شکل ساختاری، تحقق یافته‌اند.<sup>۴۰</sup> از این رو در چهارچوبی نظری، باغ با دست کم سه موجودیت آن به عنوان یک فضای معماری قابل بازشناسی است.

باغ را یک فضای معماری شناختن پیش‌زمینه نگرشی دقیق به آن است؛ مقصود دقت در همه جوانبی است که در مواجهه با اثر معماری توجه به آنها الزامی به نظر می‌رسد. برخی عناصر درون باغ تاریخی در درون هر فضای معماری نیز می‌توانند حضور داشته باشند. اما دست کم سه جزء یا عنصر، که می‌توانند مشترک در میان تمامی فضاهای معماری دانسته شوند، در تعریف جوهره هر باغی الزاماً نمود دارند. در اینجا منظور از «هر باغی» محدود به فلات ایران و با توجه به ویژگی‌های آن است. بدون اینکه بخواهیم به بررسی بیشتر عناصر و اجزای باغ پردازیم و از کارهای صورت گرفته پیشین به نتایجی دست یابیم، به گونه‌ای ملموس تلاش داریم تا به مهم‌ترین این اجزا اشاره کنیم. از این رو به سه عنصر یا مؤلفه «زمین»، «آب»، و «پوشش گیاهی» می‌پردازیم.<sup>۴۱</sup> برای نیل به نتیجه بهتر، و با گذر کردن از نمونه‌هایی چون خانه‌باغ‌ها، باغ را در شکل رسمی آن در نظر می‌گیریم. از این رو می‌توانیم به نمونه‌هایی در فین، ماهان، و طبرس که پیش از این به آن‌ها اشاره شد بنگریم. این انتخاب برای سهولت پرداخت به موضوع است، و گرنه خصوصیت مورد نظر در نمونه‌های پرشمار باغ ایرانی یافت می‌شود (ت ۱ و ۲).

در هر سه نمونه یاد شده باغ در پهنه‌ای مستقر شده است که، ابعاد و اندازه آن قابل مقایسه با محوطه درون باغ و احياناً محدوده بلافصل پیرامون آن نیست. با این وصف، ساختار فضایی، الگوی منظری، چگونگی استقرار و توسعه محدوده‌های اطراف، همه از آن حکایت دارند که باغ و همان پهنه توسعه و گاه بی‌انتهای، که کرانه‌هایی در دوردست دارد، بخش‌هایی متصل، وابسته به هم،



آب پیش از همه این موارد با اهمیت، در توانایی ایجاد حیات، نهفته است. بدون آن هم استقرار و شکل و منظر و هم وجود باغ بدون

معنا است. برای درک بهتر اهمیت آن لازم است همواره تضاد میان محدوده‌هایی که آب به آن‌ها حیات بخشیده و محدوده‌هایی که این فرایند در آن‌ها رخ نداده را در نظر داشته باشیم.

جزء دیگر، پوشش گیاهی است که همچون آب در هر فضای معماری دیگری می‌تواند باشد. اما وجود و حضور آن در باغ با جوانی پرشمارتر و با گونه‌گونی بیشتر و چهارچوبی مشخص‌تر و نیازی عمیق‌تر همراه است. به گونه‌ای که در تعریف شکل و ساختار فضایی بیشترین تأثیرات را دارد. این خود جدای از دیدگاهی است که حضور این عناصر پویا و رشدیابنده را در بسیاری از گونه‌های فضاهای معماری، نه وابسته به ذات آن گونه فضایی، بلکه همزیستی و یا حضور منظرسازی و باغ‌سازی در هر عرصه و فضای دیگری می‌پندارد.

### نگاهی به دشواری‌های مرمت باغ

در باغ، دست کم سه عنصر و مؤلفه زمین، آب و گیاهان، به مقیاسی وسیع‌تر و با تعریفی متفاوت از یک فضای متعارف در شکل‌گیری فضا نقش دارند. بیشتر مطالعات در حوزه فضاهای تاریخی و تجارب عملی و مرجع برای بهبود نگاه به مرمت، به هر سه عنصر مذکور در چهارچوبی در قامت یک فضای متعارف تاریخی و نه یک باغ تاریخی پرداخته‌اند. این جدا از نمونه‌های پرشمار تجارب ایرانی است، که در آن‌ها به این سه عنصر حتی به قدر لازم در یک فضای معماری متعارف نیز پرداخته نشده است. بنا بر این به نظر می‌رسد در تعریف مرمت، نوع مواجهه با این سه عنصر مهم‌ترین دشواری فرایند مورد نظر است.

باغ ایرانی به طور بی‌واسطه محصول سرزمین است و یکپارچگی آن با محیط اطراف و با بستر شکل‌گیری‌اش صرفاً یک رویداد زیبایی‌شناختی و یا تاریخی نیست. این یکپارچگی بیش از هر چیز امری ماهوی است که، ریشه در سرشت باغ دارد. امر مرمت و فرایند دستیابی به آن نمی‌تواند بدون توجه کافی به این مهم‌ترین ویژگی باغ تعریف و انجام شود. زیرا در این صورت جدا از هر مشکل







نسبت میان باغ و بستر در باغ ایرانی، با بسیاری از باغ‌هایی که از نظر شکلی به باغ ایرانی نزدیک‌تر هستند و یا این چنین تصور می‌شود، نیز متفاوت است. دلایل این تفاوت را باید در تفاوت‌های سرزمینی و اقلیمی جستجو کرد. این همه در صورتی است که در بسیاری از سرزمین‌های در بر گیرنده باغ‌های تاریخی، تغییرات عمده در نظام استقرار و سکونت، تحمیل ساختارهای جدید که گاه در تضاد با ساختارهای باقی‌مانده از گذشته هستند، و ناهمخوانی الگوهای سنتی و امروزی، دامنه تغییرات در محیط‌های مورد نظر را به آستانه‌های بازگشت‌ناپذیری نزدیک کرده است.

باغ ایرانی، فضایی تجلی‌یافته از وجود و حضور آب است. اما این جریان حیات، پیش و پس از باغ آثار و تجلی‌های دیگری نیز در بر دارد. از این دیدگاه وجود آب، جدا از نقش حیات‌بخشی، عنصری است که ارتباط‌دهنده عناصر گوناگون محسوب می‌شود. قطع این مسیر در هر جای رشته یادشده، باعث ایجاد گسیختگی میان عناصر مذکور خواهد شد. این تصور که حیات‌بخشی به باغی آسیب‌دیده با امکان ایجاد گردش آب به گونه‌ای محدود و در عرصه درون آن فراهم می‌آید، حاصل نگاهی بسته است که صرفاً به بخشی از یک پدیده و منفک از دیگر بخش‌ها می‌نگرد. پوشش گیاهی یک باغ، به دلیل تغییر و زوال سریع‌تر، محل چالشی دیگر به حساب می‌آید. در اینجا به درختان به مثابه بخشی که علاوه بر پوشش گیاهی و موجودیت زنده یک باغ تاریخی در شکل‌گیری ساختار فضایی آن نیز تأثیر عمده دارند، پرداخته می‌شود. درختان با رشد دائمی خود، شکل باغ را تابعی از چگونگی حضور خود می‌کنند. از سوی دیگر، نقش درختان در باغ ایرانی با نمونه‌های مناطقی دیگر چون اروپا، که در تعریف و تدوین منشور فلورانس مد نظر هستند، متفاوت است. پیش از این به علل این تفاوت به اجمال پرداخته شد. رشد و تغییر اندازه و شکل درختان، چهارچوب‌های متفاوتی را برای ارجاع به آن به عنوان شکل اصلی باغ پیش می‌کشد. روشن است که باغ ایرانی را نمی‌توان و نباید به گونه اشاره‌شده در منشور فلورانس به شکل اولیه بازگرداند؛

فنی برای ادامه بقای باغ، در حوزه مرمت با اشکالات عمده‌ای در موضوع یکپارچگی و اصالت مواجه خواهیم شد. تغییر در تعریف چگونگی برنامه‌ریزی و استفاده از زمین، چرخه کارکردی نسبت باغ با محیط پیرامون را از بین برده و با آسیب جدی مواجه کرده است. مقصود از چرخه کارکردی یادشده، امری فراتر از کارکردهای قابل تعریف در حوزه‌های انسانی است. این چرخه معطوف به ایجاد هماهنگی میان عناصری است که در یک پهنه زیستی همچون مخروط‌افکنه و دشتی که فین و مناطق بلافصلش در آن مستقر شده‌اند قرار گرفته‌اند. این هماهنگی بدون برقراری نسبت میان عناصر درون پهنه و پیرامون آن ممکن نیست. زیرا باغ‌هایی که از آن‌ها صحبت به میان آمد، با وجود محدودیت ظاهری که در شکل و محدوده خود دارند، بیش از هر چیز نمایانگر تجمیع و هم‌افزایی توان سرزمین در مقیاسی بسیار وسیع‌تر به‌شمار می‌آیند. هر نوع بهره‌گیری از توان سرزمین یادشده، اگر با بنیان‌های ایجاد و آفرینش باغ همخوانی نداشته باشد، نقطه آغازی برای کمرنگ شدن رابطه میان باغ و سرزمین آن و برهم خوردن معادله میان این دو پدیده خواهد شد و ارتباط ارگانیک آن‌ها را بر هم خواهد زد. این همه در حالی است که، اساساً در چهارچوب‌های حفاظتی و مرمتی یا برنامه‌های توسعه شهری و منطقه‌ای و آمایش سرزمینی، چرخه حیات تجلی‌یافته در شکل باغ درک نمی‌شود، بنا بر این نه تنها ارزش‌های نهفته در آن استفاده و استناد نمی‌شود، بلکه حتی توجه، محاسبه، و ثبت نیز نمی‌گردد. با نگاه کوتاه این نوشتار به اسناد جهانی مرمت و از جمله منشور فلورانس و توصیه‌نامه حفظ و حراست زیبایی و ویژگی منظرها و محوطه‌ها، روشن می‌شود که در صورت داشتن چنین خواستی نیز با دشواری‌های کلان روبرو هستیم. زیرا باغ ایرانی در بسیاری از نمونه‌های خود، با سرزمینی به مراتب وسیع‌تر از نمونه‌های اروپایی توأم است. این تفاوت، ریشه در شکل زمین و ویژگی‌های اقلیمی دارد و نمود خود را بیش از هر جا در اشکال استقرارهای مبتنی بر کشاورزی و خصوصیات جغرافیایی جمعیتی سرزمین‌های وسیع‌تر آشکار کرده است. این

۴۲. نمونه این گونه فضاهای معمارانه را به خصوص در ادبیات و شعر فارسی بسیار می‌توان سراغ گرفت. برای نمونه:

... بگفتند وز پیش بیرون شدند  
ز کاخ همایون به هامون شدند  
سپهبد سپه را همی داد پند  
همی داشت با پند لب را بپند  
چنین تا دو هفته برین برگذشت  
سپهبد ز ایوان بیامد به دشت  
یکی بیسه پیش آمدش پردرخت  
سزاوار میخواره نیکبخت ...

نک:

Firdawsī, Shāhnāmah-i  
Firdawsī: matn-i intiqādi,  
vol. 8, 399: 1407-1410.

ت ۲. باغ شاهزاده ماهان، منطقه تیگران و پهنه کویری پیرامون. منبع: سازمان نقشه برداری کشور.

## نتیجه گیری

هر گاه به دنبال حفاظت از باغی تاریخی باشیم که، این حاصل بینش ما نسبت به ارزش‌های آن است یا در پی مرمت آن برویم تا شکل و ساختار فضایی و فراتر از آن چهارچوب معنایی‌اش را به وضعیتی شناخته شده نزدیک کنیم، با مسائل و مشکلاتی چند روبه‌رو خواهیم شد. این مسائل بیش از هر چیز به شناخت ما از موجودیت باغ و ماهیت درونی آن معطوف است. در این زمینه لازم است که به ماهیت باغ بپردازیم؛ اینکه در یک باغ ایرانی چگونه عناصر لازم برای ساخت فضا گرد هم می‌آیند، گستره‌های معرف و مرزهای محدود کننده فضای باغ کدام هستند، بنیادی‌ترین عناصر تشکیل دهنده باغ ایرانی با عناصر متناظر در هم‌تایان خود در دیگر سرزمین‌ها چه نسبتی دارند، دیدگاه ما نسبت به این عناصر چگونه است و چگونه باید باشد و نیز اینکه چگونه ذات رشدیابنده باغ را، که رو به آینده در حرکت است، می‌توان به وضعیتی مشخص و معین در گذشته، یا نامعین در آینده رهنمون شد. در این مسیر الزام خواهیم داشت که به شناختی درخور از باغ بپردازیم.

شناخت مذکور شاید همان چیزی است که ما از ماهیت باغ لازم است برداشت کنیم. شناختی در تعامل با تعریف دیروز از باغ و سرزمین و قلمرواش که در آن، باغ در پهنه‌ای گسترده و یا گسترده‌ترین پهنه نگاه می‌شود و تعریف امروز که در آن، بنا بر محدودیت‌های خواسته و ناخواسته، باغ در محدوده‌های هر چه فشرده‌تر و هر چه مجزاتر از بستر آن دیده می‌شود. شناخت ما می‌تواند به تبیینی از روابط و اجزای باغ در درون محدوده تصور شده امروزی منجر شود، همان‌گونه که، لازم است به فضاها و عرصه‌ها و محیط‌ها و عناصر بیرونی نیز پرداخته شود. در این صورت ضرورت دارد که گیاهان با نگاه به ماهیت آن‌ها در سرزمین و اقلیم ایران دیده شوند، و همچنین آب نه به عنوان عنصری در درون باغ که باغ جزئی از فرایند پیچیده استحصال و بهره‌گیری از آن بر شمرده شود.

ارزش‌های مبتنی بر کیفیت فضایی و نیز نوع منظرسازی و تفاوت ارزش‌های زیباشناختی، بازگرداندن باغ به شکل روزگار آغازین آن را به کاری فاقد بنیان‌های مبتنی بر شناخت تبدیل می‌کند، زیرا باغ ایرانی در پیوند با نیازهای محیطی انسان، بیش از هر چیز فضایی برای حضور در درون آن است و از این دیدگاه با منظرسازی و صحنه‌آرایی برخی هم‌تایان آن در دیگر سرزمین‌ها، که بیشتر فضا یا تصویری برای نظاره کردن به‌شمار می‌آیند، متفاوت است. از سوی دیگر، اگر بخواهیم برای باغ شکلی متعلق به دوره‌ای متأخر را برای مرمت مرجع قرار دهیم، با نگاه به سیر تحول و تغییرات آن، با انتخابی نه‌چندان ساده روبه‌رو خواهیم بود. گذشته از این برای چنین کاری با دشواری‌های فنی روبه‌رو می‌شویم.

در خصوص همه موارد مطرح شده، با انواعی از مشکلات همچون حفظ و بقای موجودیت باغ تا حفاظت از یکپارچگی و اصالت آن مواجهیم یا دست کم در این زمینه کمبودهایی در حوزه‌های شناخت و تعریف فرایندهای حفاظت و مرمت را شاهدیم. این کمبودها بیش از هر جا، خود را در شناخت ما از ماهیت باغ نشان می‌دهند و از آنجا که به طور مستقیم به دیدگاه ما نسبت به موضوع مربوط می‌شوند، اساسی‌ترین لایه‌های هرگونه مداخله در آن‌ها را در بر می‌گیرند. شاید از همین رو است که نظریه‌پردازی چون چزاره برندی<sup>۴۳</sup> در حدود میانه سده بیستم، در بیان نظریه خود در باب مرمت آن را یک‌سره معطوف به شناخت اثر می‌داند؛<sup>۴۴</sup> و شاید هم این نکته نشان‌دهنده وجهی از دانش مرمت است که پس از دست به کار شدن نهادهای بین‌المللی برای تدوین قوانین و چهارچوب‌های مرمت و با وجود خواست این نهادها، دست کم در دو حوزه بنیان‌های نظری و توجه به فرهنگ‌های محلی، کمتر از آنچه شایسته بوده بدان پرداخته شده است. هر چه هست می‌توان شناخت همه‌جانبه، دقیق، و مؤثر هر اثر و از جمله باغ که معطوف به سرزمین آن باشد را محور و مبنای اصلی مرمت دانست.

43. Cezare Brandi.

۴۴. چزاره برندی در تعریف خود از مرمت آورده است: «مرمت دربرگیرنده و سازنده بازویی متدولوژیک برای بازشناسی یک اثر هنری است؛ بازشناسی‌ای که در باب موجودیت کالبدی‌اش و در باب موجودیت دو قطبی زیبایی‌شناختی و تاریخی‌اش صورت گیرد، به قصد نقل بار پیامی، ماهوی، معنوی، و کالبدی آن به آینده» (به نقل از محمدمنصور فلامکی، همان، ص ۲۵۵، همچنین نک: چزاره برندی، تئوری مرمت، ص ۳۹).



ICOMOS General Assembly, Washington, 1987.

ICOMOS-Australia, *The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance* (the *Burra Charter*), first published, ICOMOS-Australia, 1981.

*International Charter for the Conservation and Restoration of Monuments and Sites* (the *Venice Charter*), adopted at the Second International Congress of Architects and Technicians of Historic Monuments, Venice, 1964.

UNESCO, *Recommendation Concerning the Safeguarding of the Beauty and Character of Landscapes and Sites*, adopted by the General Conference of the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization during its twelfth session, Paris, 1962.

## منابع و مأخذ

برندی، چزاره. *تئوری مرمت، ترجمه پیروز حناچی، نهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.*  
بل، سایمون. *عناصر طراحی بصری در منظر، ترجمه محمدرضا مثنوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.*

جیحانی، حمیدرضا و سیدمحمدعلی عمرانی. *باغ فین، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، ۱۳۸۶.*

دانش دوست، یعقوب. «باغ ایرانی»، در اثر، ش ۱۸ و ۱۹ (زمستان ۱۳۶۹)، ص ۲۱۴-۲۲۴.

سازمان میراث فرهنگی. *مجموعه پژوهش‌های بنیادی دفتر فنی: دفتر هشتم، تهران: میراث فرهنگی، ۱۳۷۹.*

سعدی، شیخ مصلح‌الدین. *غزلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.*

فلامکی، محمدمنصور. *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.*

\_\_\_\_\_. *ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۱.*  
فیلدن، برنارد ام و یوکا یوکیلتو. *رهنمودهای مدیریت برای محوطه‌های میراث فرهنگی جهان، ترجمه سوسن چراغچی، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۲.*

مسعودی، عباس. *بازشناسی باغ ایرانی باغ‌سازده ماهان، تهران: نشر فضا، ۱۳۸۸.*  
میرفندرسکی، محمدمبین. «باغ در مفهوم باغ»، در *هفت شهر، ش ۳ (بهار ۱۳۸۰)*، ص ۴-۱۳.

Bell, Simon. *Elements of Visual Design in the Landscape*, New York: Spon press, 2004.

Conan, Michel. "Gardens and Landscapes: At the Hinge of Tangible and Intangible Heritage", in *Intangible Heritage Embodied*, edd by D. Fairchild Ruggles and Helaine Silverman, New York: Springer, 2009.

Council of Europe, *European Charter of the Architectural Heritage* (the *European Charter*), Council of Europe, 1975.

Firdawsī, E. É Bertel's, A. E. Bertel's, O. I. Smirnova, Rustam M. Aliev, M. N. Osmanov, 'Abd al-Husayn Nūshīn, and A. A. Azer. *Shāhnāmah-i Firdawsī: matn-i intiqādi*, vol. 8. Muskū: Idārah-i Intishārāt-i Adabiyat-i Khavar. 1960.

ICOMOS, *The Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas* (the *Washington Charter*), adopted at the